

بررسی نقش وقف در گسترش زیارات، اماکن مقدسه و فرهنگی، با رویکرد

سیر تاریخی

جواد طلوع رضائی صفار*

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۴/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۲۷

چکیده

بررسی تأثیرات فرهنگی و مذهبی وقف در توسعه تمدن اسلامی و گسترش مفهوم زیارت و اماکن مقدس به عنوان یکی از عوامل کلیدی در شکل‌گیری این تمدن، موضوعی مهم است. هدف اصلی وقف، ایجاد و تثبیت مکان‌های سکونت و منابع تأمین معیشت، به منظور پاسخگویی به نیازهای عمومی جامعه یا گروه‌هایی خاص از جمله فرزندان واقف، دانشمندان، بیماران، مسافران و سایر اقشار نیازمند است. با تأمل و پژوهش در مفهوم وقف، به این نتیجه می‌رسیم که وقف یکی از دستاوردهای برجسته قانون اسلام است که بر پایه همکاری و حسن نوع‌دوستی بنا شده و در دنیای امروز نیز اهمیت ویژه‌ای دارد. این مقاله به بررسی جایگاه وقف در فرهنگ اسلامی می‌پردازد و پس از تحلیل ریشه‌ها و سیر تاریخی وقف در شکل‌گیری و شکوفایی تمدن اسلامی، به نقش آن در توسعه مبانی دینی، فرهنگی و اجتماعی، ارتقاء خدمات عمومی و گسترش فرهنگ زیارت می‌پردازد. همچنین، موضوع وقف، اصطلاح آن و تأثیر فرهنگ وقف بر توسعه زیارت و اماکن مقدس به طور دقیق توضیح داده می‌شود. اطلاعاتی جامع و قابل بررسی در خصوص مفهوم زیارت در وقف از منظر فقه شیعه و قرآن کریم نیز در این مقاله ارائه خواهد شد. به منظور پرداختن به موضوع وقف و زیارت، ابتدا نیاز است توضیحاتی مختصر درباره زیارت و اماکن زیارتی، تعریف واژه و اصطلاح زیارت و اشاره به آیات و روایات مرتبط با آن و آداب زیارت برای خوانندگان محترم ارائه شود. سپس به بررسی تأثیرات متقابل این دو مفهوم و نقش آن‌ها در جامعه اسلامی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

کلیدواژگان: وقف، زیارت، رشد، فرهنگ، واقف، اسلام.

* دانشجوی دکتری رشته مطالعات نظری تمدن دانشگاه باقرالعلوم (ع) قم.



مقدمه

به عقیده اسلام، وقف یکی از عوامل کلیدی در کاهش فقر، حفظ اراضی و ارتقاء اقتصاد و فرهنگ جامعه به شمار می‌آید و حتی به عنوان یکی از منابع مهم برای آینده مستضعفان معرفی شده است. وقف به عنوان یک مفهوم ارزشمند و نیرویی قوی در اسلام، نقش مهمی در توسعه و پیشرفت امور مذهبی، فرهنگی، اجتماعی و بهداشتی در جامعه ایفا می‌کند. استفاده از منافع و ظرفیت‌های این نهاد مردمی که ریشه در اعتقادات دینی انسان دارد، می‌تواند به رشد مفاهیم و موضوعاتی نظیر زیارت، اماکن مقدس و فرهنگی، و همچنین بهبود اقتصادی و اجتماعی جوامع اسلامی منجر شود. در نهایت، این فرآیند به تحقق عدالت اجتماعی و فراهم کردن زمینه‌های لازم برای ایجاد یک مدینه فاضله خواهد انجامید.

موقوفات در هر زمان و مکانی تقریباً همه نیازهای جامعه را پوشش می‌دهد. همچنین وقف علاوه بر مسائلی که گفته شد، آثار جغرافیایی مهمی نیز در بردارد. در سرتاسر سرزمین‌های اسلامی، بسیاری از عناصر کالبدی و چشم‌اندازهای جغرافیایی در نتیجه اعتقاد به مفهوم وقف پدیدار گشته است. وقف در واقع عملی است که انسان به انتخاب خود و در کمال صحت و سلامت، اموال و دارایی‌های خود را از مالکیت مجازی‌اش خارج می‌کند و به مالکیت حقیقی یعنی خداوند برمی‌گرداند تا رضای خدا را به هموعانش ببخشد. تأثیرات شگرف وقف را به عینه می‌توان در طول تاریخ بشر دید؛ از جمله می‌توان به تزکیه روح و روان واقف، روحیه عدم مال‌اندوزی و عدم دنیاپرستی انسان و همچنین حل بسیاری از معضلات جامعه اشاره کرد. در بررسی تاریخچه و تأثیر وقف بر توسعه زیارت‌ها و شکوفایی اماکن مذهبی و فرهنگی تاریخی، می‌توان به ارزشمندی این پدیده پی برد.

بی‌تردید، اگر به مقوله وقف به‌طور همه‌جانبه نگریده شود و اهمیت این سنت نبوی که همواره معصومین آن را تأکید و تشویق کرده‌اند، آشکار شود، تأثیری عمده در تغییر و تحول ساختار فرهنگی و رشد اسلام و کشور خواهد داشت. زیارت عملی عبادی به معنای حضور در پیشگاه پیشوایان دینی یا نزد قبور آنان یا دیدار از مکان‌های مقدس و محترم



برای اظهار ارادت و احترام و کسب فیض معنوی است. زیارت را می‌توان ارتباط با خدا و پیوند با انبیاء و اولیای الهی دانست. در آیات شریفه قرآن که بر مشروعیت زیارت استدلال شده است. توسعه فرهنگ وقف یکی از عوامل اصلی در کاهش تمرکز ثروت در جامعه و فراهم کردن زمینه‌ای مناسب برای پرورش ارزش‌های معنوی و الهی، به‌ویژه در راستای توزیع عادلانه ثروت، به شمار می‌آید. با توجه به ویژگی‌های ذکر شده، ترویج فرهنگ وقف و تلاش برای دستیابی به موفقیت در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، به عنوان یکی از مهم‌ترین مسائل و دغدغه‌های مسئولان و کارشناسان در کشورهای اسلامی و غیر اسلامی مطرح است. نمونه‌هایی از مصارف موقوفات در سال‌های اخیر شامل ساخت مساجد، بیمارستان‌ها و ایجاد حمام‌ها می‌باشد.

مفاهیم

زیارت

معنای لغوی زیارت، قصد است و در عرف، قصدی است که همراه با اکرام و تعظیم زیارت‌شونده و انس یافتن با او باشد (طریحی، مجمع البحرین، ۱۳۷۵، ص ۳۰۴-۳۰۵؛ غزالی، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، ۱۴۱۴، ص ۳۵۴). شهید اول در توضیح مفهوم زیارت می‌گوید: «در زمان حضور در مقام و جایی که زیارت‌شونده هست، کفایت می‌کند و اقرب به نظر، وجوب سلام به اوست زیرا متعارف از زیارت، سلام می‌باشد» (شهید اول، الدروس الشرعیه فی فقه الامامیه، ۱۴۱۷، ص ۱۵۳).

واژه‌ی زیارت غالباً در فرهنگ‌ها «گرفته شده از لغت عربی زیارت و رفتن به مشاهد متبرک و بقعه‌ها و دعایی که برای تشریف باطنی به امام‌ها و امامزاده‌ها و اولیاء خوانده می‌شود» آمده است (دهخدا، لغت‌نامه دهخدا، ۱۳۷۷، ص ۱۳۵۴). به همین مضمون، حج و تشریف به خانه‌ی خدا و دیدن قبر منور پیامبر اکرم(ص) نیز زیارت خوانده می‌شود و گاهی به جای حج رفتن، عبارت به زیارت خانه‌ی خدا رفتن به کار می‌رود. به ملاقات بزرگان، پادشاهان و اشخاص محترم و بازدید از آن‌ها نیز زیارت گفته می‌شود. در همین راستا، بیهقی در تاریخ خود ملاقات هارون با ابن سماک را به زیارت آمدن وی که از بزرگان و زهاد در مکه بوده است، یاد می‌کند (بیهقی، تاریخ بیهقی، ۱۳۷۴، ص ۹۷۶).





موارد دیگری نیز در تاریخ فرهنگ ایران وجود دارد که زیارت را رسیدن به حضور بزرگی یا بازدید و کسب فیض از مرقد وی و روح متبرک آن بزرگوار بیان می‌کند و بدین لحاظ، در طول تاریخ عرفان و دیانت ایران، همواره مفهوم زیارت و عمل زیارت امری مثبت و معنوی تلقی شده و افراد مختلف سعی نموده‌اند با استفاده از زیارت و این پنجره‌ی باز به سوی معنویت و فیض گرفتن از این سعادت، بهره‌ی دنیوی و اخروی کسب نمایند.

از آیات گرانقدر قرآن که به عنوان دلیل بر مشروعیت زیارت مورد استناد قرار گرفته، این آیه از خداوند متعال است: «...وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا: ... و اگر هنگامی که آنان (گروه منافق) بر خود ستم کردند به تو رجوع می‌کردند و از کردار خود به خدا توبه نموده و تو هم برای آنها استغفار می‌کردی و از خدا آمرزش می‌خواستی، در این حال البته خدا را توبه‌پذیر و مهربان می‌یافتند.» (سوره نساء، آیه ۶۴)

وقف

وقف به معنای ایستادن، آرام گرفتن، توقف کردن و درنگ کردن است. (دهخدا، لغت‌نامه دهخدا، ۱۳۷۷، ص ۲۳۴) طریحی در مجمع البحرین نیز برای بیان مفهوم لغوی «وقف» به کریمه این مثال را آورده است: «وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ وَقَفُوا عَلَى النَّارِ» (طریحی، مجمع البحرین، ۱۳۷۵، ماده «وقف») که به معنای «مکث و درنگ کردن» است، البته به شکل متعدی.

در زبان حقوقی، این عبارت به معنای «نگهداری و حبس اصل و عین یک ملک مانند خانه یا زمین و جلوگیری از هر نوع خرید و فروش، هدیه، ارث و... به جز در موارد خاص است، به گونه‌ای که خود ملک همواره حفظ شود و منافع آن طبق نظر واقف در راه خدا و به نفع عموم مردم یا گروه خاصی مصرف گردد.» می‌باشد. (شهیدثانی، شرح اللمه، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۳۹۸) و در اصطلاح فقها به معنای قراردادی است که نتیجه آن نگهداری اصل مال و آزادسازی منافع آن می‌باشد، به این معنا که مال به نحوی که واقف مشخص کرده است، مصرف می‌شود. (نجفی، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، ۱۴۳۰، ج ۳، ص ۲۸)

وقف در تعریف فقیهان به معنای قراردادی است که در آن، مالی اهدا می‌شود تا فقط از منافع آن بهره‌برداری شود. (حلی، شرایع الاسلام، ۱۴۰۸، ج ۲، ص ۱۶۵؛ علامه حلی، تحریر الاحکام الشریعه، ۱۴۲۰، ج ۳، ص ۲۸۹) به عنوان نمونه، فضایی به افراد نیازمند اختصاص می‌یابد تا آن‌ها از مزایای آن بهره‌مند شوند، بدون اینکه این مکان قابلیت خرید و فروش داشته باشد. (مشکینی، مصطلحات الفقه، ۱۴۲۸، ص ۵۶۷) در وقف، دارایی از مالکیت واقف خارج می‌گردد. (همان، ص ۱۷۱) نه او و نه کسانی که مال برایشان وقف شده، مجاز به فروش یا هدیه دادن آن نیستند. (همان)

وقف به عنوان «صدقه جاریه» شناخته شده است (طباطبایی یزدی، تکملة العروة الوثقی، ۱۴۲۹، ج ۱، ص ۱۸۴) و در احادیث نیز به آن اشاره شده است (کلینی، الکافی، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۵۷) زیرا منافع آن همواره ادامه دارد. (همان)

اداره موقوفات

توسعه موقوفات در کشورهای اسلامی منجر به تأسیس نهادهای دولتی در میان مسلمانان شده است. این موضوع سابقه‌ای طولانی دارد بر اساس گزارش‌های تاریخی، این موضوع به دوران امویان مربوط می‌شود. در آن زمان، توبه بن نمر، قاضی بصره، دستور به ثبت موقوفات داد و همچنین دیوان اوقاف را در این شهر بنیان‌گذاری کرد. (سلیمی فر، نگاهی به وقف و آثار اقتصادی-اجتماعی آن، ۱۳۷۰، ص ۶۹)

در زمان ایلخانان، نهادی به نام «حکومت موقوفات» فعالیت می‌کرد که تحت نظارت قاضی القضاة اداره می‌شد. (اصیلی، کتاب شناسی وقف، ۱۳۷۳، ص ۱۰۷) در ایران، برای نخستین بار در دوران صفویه، سازمانی مستقل برای مدیریت اوقاف تأسیس گردید. این سازمان در شهرهای بزرگ نمایندگانی داشت که به آن‌ها «وزیر اوقاف» گفته می‌شد. (همان، ص ۱۰۸)

در کشورهای اسلامی، نهادهای ویژه‌ای برای مدیریت اوقاف وجود دارند که یکی از آن‌ها سازمان اوقاف و امور خیریه ایران است. (همان، ص ۹۴-۹۵)

دیوان وقف شیعی و دیوان وقف سنی عراق (سازمان اوقاف، دفتر نوسازی و تحول معاونت توسعه و پشتیبانی، آشنایی با نظام مدیریت وقف و امور خیریه در کشور مصر،



۱۳۹۶، ص ۸۰)، وزارت اوقاف مصر (همان، ص ۸۲)، وزارت اوقاف و امور اسلامی کویت (همان، ص ۶۶) و شورای عالی اوقاف عربستان سعودی از جمله نهادهای مرتبط در این زمینه هستند. (همان، ص ۸۳)

هدف از وقف و تأثیر آن در شکل‌گیری نهادهای حقوقی

شناسایی هیچ ماهیتی جز از طریق درک هدف آن امکان‌پذیر نیست. نهاد وقف نیز از این قاعده مستثنی نیست. برای درک فلسفه وقف و اهداف این نهاد حقوقی، نیاز به بررسی تاریخی و روان‌شناختی احساس می‌شود تا انگیزه‌های واقفان و مصلحت‌های اجتماعی و سیاست‌های حقوقی در این زمینه به دقت مورد مطالعه قرار گیرد. انگیزه‌های روانی وقف به قدری متنوع هستند که ساماندهی آن‌ها دشوار است. با این حال، می‌توان آن‌ها را بر اساس تسلط خودخواهی و اندیشه‌های غیرخواهی به دو دسته اصلی تقسیم کرد:

۱- تمایل به زندگی ابدی و مقابله با عدم وجود: در این دسته، انگیزه‌های خودخواهانه بر تفکر خیرخواهانه غالب است. با این حال، ممکن است فرد برای دستیابی به هدف نهایی، ناگزیر شود که به انجام فعالیت‌های اجتماعی مفید بپردازد و از این طریق به دیگران نیز سودی برساند. بنابراین، نباید تقابل این دو گروه را با تقسیم‌بندی رایج وقف به خاص و عام اشتباه گرفت. زیرا ممکن است وقف عام به منظور کسب شهرت یا ماندگاری انجام شود، در حالی که در وقف خاص، هدف کمک به یک فرد مشخص یا گروهی محدود است.

۲- تمایل به دستیابی به آرمان‌های غیرقابل دسترس در طول زندگی: این یکی از انگیزه‌هایی است که افراد را به وقف کردن ترغیب می‌کند و در این دسته از انگیزه‌ها، احساس ایثار و تمایل به کمک به دیگران غالب است. امروز تمامی زیارتگاه‌ها، مدارس قدیمی، حوزه‌های علمی و مسافرخانه‌ها از طریق درآمدهای اوقاف مدیریت می‌شوند. تنوع این مکان‌ها به حدی است که نیاز به یک تحقیق مستقل جامعه‌شناختی در این زمینه احساس می‌شود. به طوری که می‌توان گفت وقف‌نامه‌ها به نوعی کتابی هستند که داستان دردها، رنج‌ها، آرزوهای برآورده‌نشده و گاهی بلندپروازی‌ها و خودنمایی‌ها را روایت می‌کنند. (کاتوزیان، تحول در وقف در دورنمای آینده، ۱۳۷۶، ص ۷۵-۷۲)



گسترش وقف در تشیع

صفویان به منظور ترویج فرهنگ شیعه، موقوفات مذهبی آستانه‌های مقدس شیعه در ایران را گسترش داده و این آستانه‌ها را توسعه بخشیدند. (صفت گل، ساختار نهاد و اندیشه دینی در ایران عصر صفوی: تاریخ تحولات دینی ایران در سده دهم تا دوازدهم هجری، ۱۳۸۱، ص ۳۲۰-۳۲۷؛ آقاجری، مقدمه‌ای بر مناسبات دین و دولت در ایران عصر صفوی، ۱۳۸۹، ص ۵۹۲-۵۹۳). مورخان و پژوهشگران معاصر به جنبه‌های گوناگون سیاست توسعه موقوفات در دوره صفوی پرداخته‌اند. صفت گل بر این باور است که شاهان صفوی با افزایش موقوفات، نه تنها به تأمین معیشت اعضای ساختار دینی و سادات پرداختند، بلکه اهداف سیاسی دیگری را نیز در داخل و خارج از کشور دنبال کردند. یکی از این اهداف، سیاست زمینداری دولت صفوی و تبدیل اراضی به اراضی خاصه بود. این روند که از زمان شاه‌عباس اول آغاز شد، به نظر می‌رسد به منظور تأمین منابع مالی برای سپاه و دیگر نیازهای دولتی بوده و در دوره شاه‌عباس دوم نیز ادامه پیدا کرد. (صفت گل، ساختار نهاد و اندیشه دینی در ایران عصر صفوی: تاریخ تحولات دینی ایران در سده دهم تا دوازدهم هجری، ۱۳۸۱، ص ۳۱۸-۳۱۹-۳۲۴).

جنبه‌های دیگر این سیاست شامل نمایش خود شاه به عنوان پادشاهی مؤمن و واقف، و همچنین بانی امور خیریه است. این اقدامات به مشروعیت بخشی به دارایی‌های سلطان صفوی و نظارت بر درآمدها نیز کمک می‌کنند اموال خود را از طریق حق تولیت به دست آورده در نهایت، تلاش‌هایی برای جلب محبت و توجه شیعیان و سادات در خارج از مرزهای ایران، به ویژه در مکه، مدینه و عتبات صورت گرفت. شاه‌عباس اول با تخصیص بخشی از موقوفات خود به افرادی که در راستای اعتقادات شیعه جهاد می‌کردند، به دنبال دستیابی به هدف سیاسی دیگری بود. مک چیسینی دو جنبه را برای سیاست شاه‌عباس اول در زمینه ایجاد موقوفات بررسی کرده است: نخست، گسترش موقوفات مذهبی شیعه دوازده‌امامی و دوم، تقویت مشروعیت سیاسی سلسله صفویه. (مک چیسینی، وقف و سیاست ملی در دوره صفویه، ۱۳۸۶، ص ۱۰۲).





دیگران به جنبه‌های موفقیت سیاست مذهبی صفویان در زمینه توسعه موقوفات توجه کرده‌اند. احمدی به تحلیل تأثیر وقف بر توسعه تشیع و برگزاری آیین‌های مذهبی می‌پردازد و اشاره می‌کند که احتمالاً شخصیت‌های سیاسی و درباری دوره صفوی در تأسیس موقوفات به منظور ترویج مذهب شیعه با اهداف شاهان صفوی هم‌راستا بوده‌اند. او همچنین بر این باور است که رشد اقتصادی و افزایش درآمد دولت از جمله دلایل افزایش موقوفات در دوران شاه‌عباس اول بوده است. (احمدی، تشیع و وقف در عصر صفوی، ۱۳۸۴، ص ۴۳-۴۶-۴۹؛ احمدی، در باب اوقاف عصر صفوی، ۱۳۹۰، ص ۱۳۹-۱۵۳).

وجود قرآن‌ها و اشیاء وقف‌شده در مرقد حضرت رضا (ع) از آغاز تا دوره صفوی، این باور را تقویت می‌کند که املاک و مستغلات نیز باید به این مکان وقف شده باشند. با این حال، تنها دو مورد از موقوفات در دسترس است. بیهقی برای نخستین بار به ساخت مناره‌ای برای حرم امام رضا (ع) توسط سوری معتز اشاره کرده و بیان کرده است که او مزرعه‌ای را به این منظور وقف کرده است. (بیهقی، تاریخ بیهقی، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۶۳۹) دومین موقوفه توسط سلطان محمدغازان خان ایلخانی تأسیس شد که شامل سه روستای فرهادگرد، فرهادان و مخالف‌سرای بود. از این میان، تنها موقوفه فرهادگرد همچنان برقرار است. (مولوی، پیش‌نویس فهرست موقوفات آستان قدس رضوی، ۱۳۵۳، ج ۵، ص ۴۰۱؛ ج ۷، ص ۱۶-۱۷؛ عطاردی، تاریخ آستان قدس رضو، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۵۶۲) بنابراین می‌توان بیان کرد که دوره صفوی، آغازین دوره وقف بر حرم امام رضا (ع) و شروع شکوه و عظمت آن به شمار می‌آید.

در مورد وقف به حرم امام رضا (ع) در دوران شاه اسماعیل اول، گزارشی موجود نیست؛ اما می‌توان ادعا کرد که ایده وقف در این دوره شکل گرفته است. زیرا نخستین وقف حرم در سال‌های آغازین سلطنت شاه طهماسب اول به وسیله عتیق علی منشی، دبیر انشاء شاه اسماعیل اول، تأسیس گردید. (اسناد آستان قدس رضوی، سند شماره ۳۸۷۴۸؛ قمی، گلستان هنر، ۱۳۵۲، ص ۴۶؛ خانی‌زاده، معرفی یکی از موقوفات آستان قدس: موقوفات عتیقی، ۱۳۹۱، ص ۱۵۰-۱۹۷). در دوران شاه طهماسب اول، با تقویت

دولت صفوی و استحکام بنیادهای مذهبی تشیع، وقف املاک و زمین‌ها به حرم آغاز شد و تعداد موقوفات به هشت مورد افزایش یافت. هیچ مدرکی دال بر این که شاه طهماسب اول موقوفه‌ای را به حرم امام رضا (ع) اختصاص داده باشد، وجود ندارد؛ با این حال، او در توسعه حرم و مدیریت امور آستان قدس اقدامات مؤثری انجام داد. اقداماتی مانند تخصیص بودجه‌های دولتی، نظارت بر درآمدهای آستان قدس و نحوه هزینه‌کرد آن، تأسیس و گسترش سازمان اداری آستان قدس و مدیریت مستقیم امور اداری آن توسط شاه و تولیت، همچنین انجام سفرهای زیارتی و نذرهایی برای حرم امام رضا (ع) و تعمیر و توسعه حرم و سایر مکان‌های مرتبط، به تقویت سیاست‌های صفویان در این زمینه یاری رساند. اقدامات شاه در گسترش شهر مشهد به تحقق اهداف او در دستیابی به مقصودش یاری می‌رساند. به گونه‌ای که در پایان دوره شاه طهماسب اول، مشهد بر هرات که در آن زمان مرکز خراسان به شمار می‌رفت، پیشی گرفت. (عبدی بیگ شیرازی، تکملة‌الخبار، ۱۳۶۹، ص ۷۵؛ مستوفی، زبدة‌التواریخ، ۱۳۷۵، ص ۸۱؛ اعتمادالسلطنه، مطلع‌الشمس: تاریخ ارض اقدس و مشهد مقدس، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۳۱۱).

پس از فوت شاه طهماسب اول، شاه اسماعیل دوم تمایلی به ادامه سیاست مذهبی او نداشت؛ اما سلطان محمد خدابنده با زیارت حرم امام رضا (ع) و احترام به سادات و خادمان حرم، وفاداری خود را به سیاست مذهبی صفویان ابراز کرد. (قمی، من لایحضره الفقیه، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۷۵۰).

شاه عباس اول در راستای سیاست‌های شاه طهماسب اول، برای تأکید بر اهمیت مرقد حضرت و شهر مشهد، تلاش‌های زیادی انجام داد. او علاوه بر هفت سفر زیارتی به مشهد، مهم‌ترین این سفرها را در سال ۱۰۱۰ هجری قمری (۱۶۰۱ میلادی) با پیاده‌روی از اصفهان به مشهد انجام داد. همچنین، او موقوفاتی برای حرم ایجاد کرد و به تعمیرات و توسعه ساختمان حرم پرداخت. (اعتمادالسلطنه، مطلع‌الشمس: تاریخ ارض اقدس و مشهد مقدس، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۵۸۳-۶۲۲). به نظر می‌رسد در سفرهای شاه عباس اول در سال‌های ۱۰۱۰ و ۱۰۱۱ هجری قمری (۱۶۰۱ و ۱۶۰۲ میلادی)، او به‌طور مستقیم به مسائل اداری و مالی آستان قدس توجه کرده است. علاوه بر این، شاه سه وقف برای حرم تأسیس کرد.





سیاست ایجاد و گسترش موقوفات برای حرم امام رضا(ع) و توسعه شهر مشهد در زمان جانشینان شاه عباس اول با ساخت بناهایی مانند مدارس ادامه پیدا کرد. در دوران شاه عباس دوم، سه مدرسه در نزدیکی حرم بنا شد و در زمان شاه سلیمان، هفت مدرسه دیگر نیز تأسیس گردید. و همچنین مدرسه دودر مورد بازسازی قرار گرفت. علاوه بر این، در دوره شاه سلیمان، تعمیرات متعددی در حرم و ساختمان‌های آن انجام شد (همان، ص ۴۳۹).

با بررسی جدول‌های مربوط به موقوفات آستانه در این مقاله، موفقیّت صفویان در گسترش وقف و توسعه سازمان اداری و خدماتی آن به وضوح نمایان می‌گردد. در دوره شاه طهماسب اول، ۹ موقوفه ثبت شده است. در دوره شاه عباس اول، تعداد موقوفات به ۱۲ می‌رسد. همچنین در دوره شاه صفی، ۱ موقوفه، در دوره شاه عباس دوم، ۴ موقوفه، در دوره شاه سلیمان، ۲۸ موقوفه، در زمان شاه سلطان حسین، ۲۰ موقوفه ثبت شده است. همچنین در دوره شاه طهماسب دوم، ۲ موقوفه و در زمان شاه عباس سوم نیز ۲ موقوفه به ثبت رسیده‌اند. اما در خصوص دوره شاه اسماعیل دوم و سلطان محمد خدابنده، هیچ گزارشی درباره وقف به حرم امام رضا (ع) موجود نیست. بنابراین، بیشترین تعداد موقوفات در دوران شاه سلیمان و شاه سلطان حسین تأسیس شده است.

گسترش وقف فرهنگی

فرهنگ به ویژگی‌های منحصر به فرد یک جامعه اشاره دارد. به عبارت دیگر، جوامع به طور کلی شباهت‌های زیادی با یکدیگر دارند، اما آنچه که هویت یک جامعه را از دیگر جوامع متمایز می‌سازد، فرهنگ آن جامعه است. فرهنگ هر جامعه بر پایه تفکر آن جامعه بنا شده و تفکر نیز در زمینه فرهنگ پرورش می‌یابد. جامعه‌ای که دارای تفکر پویا است، به تفکر قوی تکیه دارد و این تفکر قوی در بستر فرهنگ مناسب و برجسته شکل می‌گیرد. دسترسی اقشار محروم به امکانات فرهنگی می‌تواند به رشد و پیشرفت جامعه کمک کند. به دلیل اینکه دسترسی اقشار محروم جامعه به فرهنگ، نشان‌دهنده پویایی فرهنگی آن جامعه است، این دسترسی می‌تواند خلاقیت را در وجود آن جامعه زنده نگه دارد. وقف فرهنگی به معنای انتقال آگاهی به افرادی است که سال‌ها در قفس جهل گرفتار بوده‌اند.

این وقف، مانند روشن کردن مشعل نور در دل تاریکی جهل انسان‌ها عمل می‌کند؛ جهل که به عنوان زنجیری، تفکر را در بند نگه داشته است. با وقف فرهنگی، موانع تفکر از میان برداشته می‌شود و این وقف است که اندیشه را در میان تمام افراد جامعه ترویج می‌کند. کسانی که نهادهای فرهنگی را به جامعه وقف می‌کنند، باید آگاه باشند که با این عمل، در واقع اندیشه‌ای را به جامعه هدیه می‌دهند؛ اندیشه‌ای که بدون آن حتی درک خداوند نیز ممکن نیست. (شاطری و عرب، اثرات اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی وقف، ۱۳۹۵، ص ۶)

ستیزه گرایان و پدیده وقف

نگرش ستیزه‌جویی بر این اساس استوار است که جامعه از تنش، فرآیندهای اجتماعی، تضاد، رقابت، تغییر و نابرابری‌های اجتماعی تشکیل می‌شود. این دیدگاه فرض می‌کند که جوامع همواره در حال تغییر هستند و تضاد جزء لاینفک آن‌ها به شمار می‌آید. آنها بر این باورند که در جامعه دو دسته وجود دارد: ثروتمندان و فقیران. پدیده‌ای مانند وقف، مشابه خمس و زکات، می‌تواند نابرابری‌های اجتماعی را به سمت تعادل و برابری اقتصادی و اجتماعی هدایت کند. وقف یکی از اقدامات کلیدی در راستای تحقق عدالت اقتصادی و اجتماعی به شمار می‌آید. در تاریخ، نمونه‌های متعددی وجود دارد که نشان می‌دهد ظهور بسیاری از قهرمانان و سیاست‌مداران در حوزه‌های اجتماعی، ناشی از تأثیر وقف و هدایت جامعه به سوی عدالت بوده است.

ساختار گرایان و پدیده وقف

این مکتب در دهه ۱۹۲۰ توسط انسان‌شناس انگلیسی به نام رادکلیف براون معرفی شد. ساختارگرایان به بررسی ساختار جامعه می‌پردازند. ساختار به معنای مجموعه‌ای از اجزای مرتبط و به هم پیوسته استاگر از این منظر به وقف نگاه کنیم، لازم است که اجزای آن را مورد بررسی قرار دهیم که شامل سازمان و اداره اوقاف مورد نظر می‌شود. سازمان اوقاف نهادی است که توانایی خود را با نیازهای اداری و انسانی هماهنگ می‌کند. این رویکرد می‌تواند به بررسی و ارزیابی مسائل و چالش‌های سازمان اوقاف، ارتباط آن با نهادها و سازمان‌های اجتماعی، و همچنین نحوه مدیریت اماکن وقفی برای حل مشکلات



موجود پردازد. (مهندین، ماهنامه فرهنگی، سیاسی اجتماعی داخلی سازمان اوقاف و امور خیریه، ۱۳۸۶، ص ۵۸)

نقش توسعه ای وقف در تمدن

موضوع وقف و تأثیر آن بر گسترش فرهنگ و تمدن اسلامی، بحثی است که ابعاد متنوع و گوناگونی دارد. تحلیل تمامی جنبه‌های این موضوع فراتر از ظرفیت این مقاله است. اهمیت وقف در توسعه جوامع اسلامی در تاریخ معاصر مسائلی را مطرح می‌کند که از جمله مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

۱. ضرورت بازسازی توازن فکری بین ارزش‌های معنوی و مادی که در حال حاضر به وضوح در زندگی انسان‌ها مشاهده نمی‌شود.

۲. افزایش نیاز به تکمیل و تقویت اقدامات دولتی و خصوصی برای دستیابی به اهداف توسعه.

۳. استفاده از نظام توسعه‌ای وقف به دلیل قابلیت آن در پاسخگویی به تمامی نیازهای افراد جامعه.

۴. نقش مهم وقف در پیشرفت ساختار نهادی جامعه از طریق حمایت از بخش‌های خصوصی.

از طرف دیگر، وقف در پیشرفت فکری و فرهنگی نیز نقش مهمی ایفا می‌کند. برای دستیابی به تعادل منطقی در توسعه فرهنگی، لازم است که توازن میان ابعاد دینامیک و استاتیک در فرآیند فرهنگی حفظ شود. به عبارت دیگر، باید بین متغیرها و ثوابت فرهنگی جامعه تعادل برقرار گردد. سنت فرهنگی در حالت استاتیک خود می‌تواند مانع پیشرفت فرد یا جامعه گردد، مگر آنکه این سنت بر اساس بررسی و تحلیل چالش‌های پیچیده معاصر شکل گرفته باشد. به عبارتی از طریق یک دیدگاه دینامیک. (یگانه، نقش وقف در توسعه کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع رسانی، ۱۳۹۳، دوره ۶، شماره ۲۴ و ۲۵، ص ۴-۵)

نقش وقف در گسترش و ارتقاء توسعه فرهنگی و فکری به این شکل قابل تبیین است:

۱. حمایت از نهادهای فرهنگی و دینی که ارتباط نزدیکی با جامعه دارند.



۲. به روزرسانی ابزارهای تبلیغاتی و آماده‌سازی آن‌ها برای پاسخگویی به نیازهای آینده، همچنین ارائه راهنمایی به رهبران فرهنگی و هنری و توسعه سیستم‌های آموزشی برای مبلغان.

۳. حمایت از مؤسسات تحقیقاتی و مراکز علمی مطالعاتی.

۴. تأیید و پذیرش فعالیت‌های علمی که از روش‌های نوین آینده‌پژوهی بهره می‌برند و در توسعه شیوه‌های جدید اجتهاد مؤثر هستند. (همان، ص ۲۴-۲۵)

نتیجه گیری

زیارت و وقف دو مفهوم کلیدی در فرهنگ و تاریخ اسلامی هستند که به ابعاد معنوی و اجتماعی زندگی انسان‌ها ارتباط دارند. زیارت به عنوان عملی معنوی، نشان‌دهنده ارتباط عمیق انسان با مقدسات و بزرگان دینی است و فرصتی برای جلب فیض و توبه به شمار می‌رود. در مقابل، وقف به حفظ و نگهداری اموال برای خدمت به عموم و تأمین نیازهای اجتماعی و فرهنگی پرداخته و به تحقق عدالت اجتماعی کمک می‌کند. توسعه موقوفات به ویژه در دوران صفویه، تلاشی برای ترویج فرهنگ شیعه و تقویت نهادهای مذهبی بود که به تأمین معیشت مردم و تثبیت قدرت سیاسی کمک کرد. وقف فرهنگی به عنوان ابزاری برای گسترش آگاهی و دانش، نقش مهمی در توسعه فرهنگی و اجتماعی ایفا می‌کند. این دو مفهوم نه تنها به رشد فردی و اجتماعی کمک می‌کنند، بلکه زمینه‌ساز ایجاد جامعه‌ای متعادل و پویا هستند. به طور کلی، زیارت و وقف در تحقق عدالت اجتماعی و پیشرفت جامعه نقش اساسی دارند.

وقف در تمدن اسلامی نقش مهمی در توازن میان ارزش‌های معنوی و مادی دارد و به تقویت اقدامات دولتی و خصوصی در توسعه کمک می‌کند. این نظام به نیازهای جامعه پاسخ می‌دهد و ساختار نهادی را تقویت می‌کند. همچنین، وقف از نهادهای فرهنگی و دینی، مؤسسات تحقیقاتی و فعالیت‌های علمی نوین حمایت می‌کند و به ترویج شیوه‌های جدید اجتهاد کمک می‌نماید. به طور کلی، وقف به پیشرفت و توسعه تمدن اسلامی کمک می‌کند.



فهرست منابع

*قرآن کریم

۱. اصیلی، سوسن، «کتاب شناسی وقف»، مجله وقف میراث جاویدان، ۱۳۷۳ش.
۲. اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان، «مطلع الشمس: تاریخ ارض اقدس و مشهد مقدس، ویرایش تیمور لیمودهی»، ج ۲، فرهنگسرا، تهران، ۱۳۶۳.
۳. آقاجری، سیدهاشم، «مقدمه‌ای بر مناسبات دین و دولت در ایران عصر صفوی»، طرح نو، تهران، ۱۳۸۹.
۴. بیهقی، محمدبن حسین، «تاریخ بیهقی، مصحح خلیل خطیب رهبر»، ج ۲، مهتاب، تهران، ۱۳۷۴.
۵. حلّی، جعفر بن حسن، «شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام»، تحقیق و تصحیح: عبدالحسین محمدعلی بقال، ج ۲، چ ۲، اسماعیلیان، قم، ۱۴۰۸ق.
۶. حلّی، حسن بن یوسف، «تحریر الاحکام الشریعه علی مذهب الامامیه»، تصحیح: ابراهیم بهادری، ج ۳، چ ۱، مؤسسه امام صادق، قم، ۱۴۲۰.
۷. حمدی، نزهت، «تشیع و وقف در عصر صفوی»، مجله علمی پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، ش ۴۰، ۱۳۸۴.
۸. -----، «در باب اوقاف عصر صفوی»، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۹۰.
۹. خانی‌زاده، مهدی، «معرفی یکی از موقوفات آستان قدس: موقوفات عتیقی»، پژوهشنامه مطالعات اسنادی و آرشیوی، ش ۱، ۱۳۹۱.
۱۰. دهخدا، علی اکبر، «لغت‌نامه دهخدا»، موسسه چاپ و انتشارات دهخدا، تهران، ۱۳۷۷.
۱۱. سازمان اوقاف و امور خیریه، «دفتر نوسازی و تحول معاونت توسعه و پشتیبانی، آشنایی با نظام مدیریت وقف و امور خیریه در کشور مصر»، چ ۱، شرکت چاپ و انتشارات سازمان اوقاف و امور خیریه، تهران، ۱۳۹۶.
۱۲. سلیمی‌فر، مصطفی، «نگاهی به وقف و آثار اقتصادی-اجتماعی آن»، بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۷۰.



۱۳. شاطری، مفید؛ عرب، صدیق، «اثرات اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی وقف»، اولین کنگره ملی علوم انسانی و وقف، ۱۳۹۵
۱۴. شهید الاول، شمس الدین محمد مکی، «الدروس الشرعیة فی فقه الامامیه»، ج ۲، مشهد: مجمع البحوث الاسلامیه، مشهد، ۱۴۱۷.
۱۵. شهید ثانی، زین الدین بن علی، «شرح اللمعه»، مترجم: علی شیروانی، ج ۱، دارالعل، قم، ۱۳۷۷ ش
۱۶. صفت گل، منصور، «ساختار نهاد و اندیشه دینی در ایران عصر صفوی: تاریخ تحولات دینی ایران در سده دهم تا دوازدهم هجری»، رسا، تهران، ۱۳۸۱.
۱۷. طباطبایی یزدی، سید محمدکاظم، «تکملة العروة الوثقی»، ج ۱، دار الصفوة، بیروت، ۱۴۲۹.
۱۸. طریحی، فخر الدین بن محمد، «مجمع البحرین»، تهران، مکتبه المرتضی، ۱۳۷۵.
۱۹. عبدی بیگ شیرازی، «تکملة الاخبار»، تصحیح: عبدالحسین نوایی، نی، تهران، ۱۳۶۹.
۲۰. عطاردی، عزیزالله، «تاریخ آستان قدس رضوی»، ج ۲، وزارت ارشاد اسلامی و عطارد، تهران، ۱۳۷۱ م
۲۱. علامه حلی، حسن بن یوسف، «تحریر الاحکام الشریعه علی مذهب الامامیه»، تحقیق: تصحیح ابراهیم بهادری، ج ۱، مؤسسه امام صادق، قم، ۱۴۲۰.
۲۲. غزالی، محمد بن محمد، «المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی»، ج ۲، مؤسسه دار الهجرة، قم، ۱۴۱۴.
۲۳. قمی، قاضی احمد، «گلستان هنر»، ویرایش: احمد سهیلی خوانساری، بنیاد فرهنگ ایران، تهران، ۱۳۵۲.
۲۴. قمی، ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه، «من لایحضره الفقیه»، جماعة المدرسین فی الحوزة العلمیة بقم، مؤسسه النشر الإسلامی، قم، ۱۴۰۴.
۲۵. کاتوزیان، ناصر، «تحول در وقف در دور نمای آینده در آن»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۱۳۷۶.





۲۶. کلینی، محمد بن یعقوب، «الکافی»، تحقیق و تصحیح: علی اکبر غفاری، ج ۷، چ ۱۴، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۴۰۷ق.
۲۷. مستوفی، محمدمنشی، «زبدۃ التواریخ»، ویرایش: بهروز گودرزی، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، تهران، ۱۳۷۵.
۲۸. مشکینی، میرزا علی، «مصطلحات الفقه»، الهادی، قم، ۱۴۲۸ق.
۲۹. مک چیسینی، رابرت. د، «وقف و سیاست ملی در دوره صفویه»، ترجمه: گیتی عمادزاده، وقف میراث جاویدان، ش ۵۷، ۱۳۸۶.
۳۰. مولوی، عبدالحمید، «پیش نویس فهرست موقوفات آستان قدس رضوی»، ج ۷، نسخه تایپی ثبت شده در اداره مخطوطات کتابخانه آستان قدس رضوی با شماره عمومی از شماره ۵۸۵۰۴ تا ۵۸۵۱۰، مشهد، ۱۳۵۳.
۳۱. مهتدین، «ماهنامه فرهنگی، سیاسی اجتماعی داخلی سازمان اوقاف و امور خیریه»، ۱۳۸۶.
۳۲. نجفی، محمدحسن، «جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام»، ج ۳، دارالحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۳۰ق.
۳۳. واعظی، عزت الله، «مقاله ی نگاهی به جایگاه وقف در فرهنگ اسلام»، ۱۳۸۰.
۳۴. یگانه، راحله، «مقاله نقش وقف در توسعه کتابخانه ها و مراکز اطلاع رسانی، نشریه الکترونیکی سازمان کتابخانه ها»، موزه ها و مراکز اسناد آستان قدس رضوی، دوره ۶، شماره ۲۴ و ۲۵، ۱۳۹۳.